

Comparative analysis of integrated communication theory and the concept of compliments in Islam

Masoud Nikraves, Ph.D. Student, , Baqir al-Olum University, Qom, Iran. Email: nikravesmasoud5@gmail.com

Ali Asghar Eslami Tanha, Assistant Professor and Faculty Member, Department of Cultural Studies and Communication, Baqir-ul-Ulum University, Qom, Iran. Email: islamitanha12@gmail.com

Abstract

Introduction: In the era of global communication, mutual understanding between cultures has become one of society's most critical needs. This study aims to conduct a comparative analysis of two intercultural approaches: Young Yun Kim's integrated communication theory and the Islamic concept of ta'arof (mutual acquaintance), examining their convergences and differences.

Methods: This article employs a qualitative comparative analysis method to examine the theoretical foundations and practical applications of both concepts.

Results: The findings indicate that despite fundamental differences in their origins and objectives, both approaches share significant commonalities, including emphasis on effective communication and audience consideration. Kim's integrated communication theory addresses immigrants' adaptation processes to new cultures, emphasizing the importance of understanding and adapting to cultural differences. In contrast, the Islamic concept of ta'arof, as a social norm, emphasizes maintaining respect in interactions with diverse cultures with the aim of achieving mutual understanding.

Discussion: This study suggests integrating the integrated communication approach with ta'arof principles to develop novel communication models that are culturally effective in contemporary societies. This integrative approach enables the improvement of intercultural communication. Future research may focus on empirical evaluation of these models in various environments and cultures.

Keywords: Integrated Communication, Ta'arof, Islam, Cultural Co-cognition, Comparative Analysis

تحلیل تطبیقی نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام

چکیده

در عصر ارتباطات جهانی، درک متقابل فرهنگ‌ها به یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه تبدیل شده است؛ لذا این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی دو رویکرد میان فرهنگی یعنی نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام، به تحلیل همگرایی‌ها و تفاوت‌های این دو پرداخته است. در این مقاله، با استفاده از روش تحلیل تطبیقی کیفی، مبانی نظری و کاربردهای عملی هر دو مفهوم مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که هر دو رویکرد، با وجود تفاوت‌های بنیادین در خاستگاه و اهداف، نقاط اشتراک مهمی از جمله تأکید بر ارتباط مؤثر و توجه به مخاطب دارند. نظریه ارتباطات یکپارچه یونگ کیم، به فرآیند سازگاری مهاجران با فرهنگ‌های جدید می‌پردازد و بر اهمیت درک و انطباق با تفاوت‌های فرهنگی تأکید می‌کند. در مقابل، مفهوم تعارف در اسلام به عنوان یک هنجار اجتماعی، بر حفظ احترام در تعامل با فرهنگ‌های مختلف با هدف نیل به شناخت، تأکید دارد. این مطالعه پیشنهاد می‌کند رویکردهای ارتباطات یکپارچه و اصول تعارف ترکیب شود تا بتوان به ایجاد مدل‌های نوین ارتباطی دست یافت که از نظر فرهنگی در جوامع کنونی مؤثر باشند. این رویکرد تلفیقی امکان بهبود ارتباطات میان فرهنگی در ارتباطات را فراهم می‌سازد. پژوهش‌های آینده نیز می‌تواند بر ارزیابی تجربی این مدل‌ها در محیط‌ها و فرهنگ‌های مختلف تمرکز کند.

واژگان کلیدی

ارتباطات یکپارچه، تعارف، اسلام، هم‌شناسی فرهنگی، تحلیل تطبیقی

۱- مقدمه

در دنیای امروز (موسوم به عصر ارتباطات) که ارتباطات میان فرهنگی به یک ضرورت انکارناپذیر تبدیل شده است، درک صحیح از نظریه‌های ارتباطی و مفاهیم فرهنگی، اهمیت بسزایی دارد. نظریه «ارتباطات یکپارچه» به عنوان یکی از رویکردهای نوین در حوزه ارتباطات، سعی در ایجاد همگرایی میان جنبه‌های مختلف ارتباطی دارد. از سوی دیگر، مفهوم تعارف در فرهنگ اسلامی نیز به عنوان یکی از اصول مهم در تعاملات اجتماعی و میان فرهنگی، شناخته می‌شود (خورشید نام، ۱۳۸۹).

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام، به دنبال کشف نقاط اشتراک و افتراق این دو مفهوم است. اهمیت این موضوع از آن جا ناشی می‌شود که درک عمیق‌تر از این دو مفهوم و کاربری آن در جامعه، می‌تواند به بهبود ارتباطات میان فرهنگی، به ویژه در جوامع اسلامی، کمک شایانی نماید. همچنین مطالعه تطبیقی نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام، می‌تواند به درک بهتر چالش‌های ارتباطی در جوامع چندفرهنگی کمک کند؛ چراکه در دنیای معاصر، که مهاجرت و تعاملات بین‌المللی افزایش یافته است، درک متقابل فرهنگ‌ها اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

غمامی و اسلامی‌تنها در کتاب هم‌شناسی فرهنگی به اهمیت الگوهای ارتباطی ارائه شده در قرآن اشاره کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که خودمحوری در دنیای معاصر به یک بحران جدی تبدیل شده است که خود را در قالب‌های مختلفی همچون نژادپرستی، غرب‌محوری و تکفیر نمایان ساخته است (غمامی و اسلامی‌تنها، ۱۳۹۵). در این راستا، بررسی تطبیقی نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم اسلامی تعارف می‌تواند راهکارهایی را برای مقابله با این چالش‌ها ارائه دهد.

پژوهش حاضر با هدف اصلی تحلیل تطبیقی نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام انجام می‌شود. این تحلیل به دنبال شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های اساسی این دو مفهوم و بررسی امکان همگرایی و تأثیرگذاری متقابل آن‌ها در بهبود ارتباطات میان فرهنگی است.

اهداف فرعی پژوهش:

- ۱) شناسایی مفاهیم و اصول کلیدی در نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام
 - ۲) بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان این دو مفهوم در ابعاد نظری و عملی
 - ۳) تحلیل کارکردها و اهداف هر یک از این مفاهیم در جوامع
 - ۴) بررسی امکان همگرایی و تأثیرگذاری متقابل این دو مفهوم در بهبود ارتباطات میان فرهنگی
- سؤالات فرعی پژوهش:

- ۱) مفاهیم و اصول کلیدی در نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام کدام‌اند؟
 - ۲) چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام وجود دارد؟
 - ۳) کارکردها و اهداف هر یک از این مفاهیم در جوامع چیست؟
 - ۴) چگونه می‌توان از نقاط قوت هر دو مفهوم برای بهبود ارتباطات میان فرهنگی استفاده کرد؟
- برای دستیابی به این اهداف، پژوهش حاضر از روش تحلیل تطبیقی کیفی استفاده می‌کند که به مقایسه سیستماتیک دو پدیده یا مفهوم از زمینه‌های فرهنگی مختلف می‌پردازد (Ragin, ۲۰۱۴, Collier, ۱۹۹۳). این رویکرد امکان شناسایی نقاط اشتراک، تفاوت‌ها و ظرفیت‌های همگرایی را فراهم می‌آورد و به توسعه درک عمیق‌تری از موضوع مورد مطالعه کمک می‌کند (Lijphart, ۱۹۷۱).

۲- پیشینه پژوهش

در حوزه ارتباطات میان فرهنگی، پژوهش‌های متعددی با رویکردها و زوایای مختلف انجام شده است که هر یک به جنبه‌ای از این موضوع پرداخته‌اند. در این بخش، مهم‌ترین مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- مطالعات داخلی

در پژوهشی با عنوان الگوی ارتباطات میان فرهنگی مسلمانان با مسیحیان در قرآن کریم، به تحلیل آیات قرآنی پرداخته شد که به اصول ارتباطی بین پیروان ادیان مختلف اشاره دارند. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، به بررسی الگوهای ارتباطی موجود در قرآن پرداخت و اصولی نظیر احترام متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز و فهم مشترک را به عنوان مبانی ارتباطات میان فرهنگی شناسایی کرد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که قرآن از رویکرد اقناعی برای درک و پذیرش متقابل میان فرهنگ‌ها استفاده می‌کند و تأکید می‌نماید که تعاملات مؤثر میان مسلمانان و پیروان ادیان دیگر می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی منجر شود (ارزانی و اهتمام، ۱۳۹۴).

در مقاله‌ای با عنوان نقش ارتباطات میان فرهنگی در تصمیم‌گیری‌ها به تنش‌زدایی، به بررسی نقش ارتباطات میان فرهنگی در فرآیند تنش‌زدایی بین کشورها پرداخته شد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت

کتابخانه‌ای، دو نوع تنش‌زدایی را شناسایی کرد؛ تنش‌زدایی از بالا که میان رهبران و طبقه حاکمه صورت می‌گیرد و تنش‌زدایی از پایین که ابتدا میان مردم دو کشور آغاز می‌شود. یافته‌های این مطالعه نشان داد که ارتباطات میان فرهنگی با افزایش آگاهی و شناخت ملت‌ها از یکدیگر و رفع سوءتفاهمات احتمالی، زمینه را برای مشروعیت تصمیم دولت‌ها به تنش‌زدایی فراهم می‌کند. این پژوهش بر اهمیت تغییر دیدگاه و ادراک مردم نسبت به فرهنگ‌های دیگر به‌عنوان پیش‌نیاز تنش‌زدایی پایدار تأکید می‌نماید (جمشیدی، سلطانی‌نژاد و بیات، ۱۳۹۵).

در پژوهشی با عنوان ارتباطات میان فرهنگی: فرهنگ شرق در مقایسه با فرهنگ غرب، به مقایسه فرآیندهای ارتباطی میان فرهنگی در دو بستر فرهنگی شرق و غرب پرداخته شد. این مطالعه با استفاده از روش مصاحبه و مشاهده شرکت‌کنندگان در کشور تایوان، تفاوت‌های اساسی در شیوه‌های ارتباطی را شناسایی کرد. یافته‌ها نشان داد که افراد غربی در ارتباطات خود تمایل به استفاده از جملات مستقیم و کوتاه دارند، در حالی که مردم شرق به سمت اتخاذ رویکردی نرم‌تر و انطباق بیشتر با فرهنگ بومی گرایش دارند. این پژوهش همچنین به نقش اصول فلسفی و فرهنگی نظیر آموزه‌های کنفوسیوس در شکل‌گیری الگوهای ارتباطی اشاره کرد و نشان داد که درک این تفاوت‌های فرهنگی برای موفقیت در ارتباطات میان فرهنگی ضروری است (قبادنژاد و رحیمی، ۱۳۹۶).

در مقاله‌ای با عنوان همشناسی فرهنگی به مثابه الگوی ارتباطات میان فرهنگی در قرآن؛ رویکردی تطبیقی، به تحلیل مفهوم تعارف در اسلام به‌عنوان یک الگوی جامع برای ارتباطات میان فرهنگی پرداخته شد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل تطبیقی، مفهوم همشناسی فرهنگی را در قرآن بررسی کرد و آن را به‌عنوان جایگزینی برای مفهوم تساهل غربی معرفی نمود. یافته‌های این مطالعه نشان داد که تعارف قرآنی فراتر از تحمل صرف تفاوت‌ها، به دنبال ایجاد درک عمیق و تعاملات مؤثر میان فرهنگ‌های مختلف است. این رویکرد بر شناخت متقابل، احترام به تنوع فرهنگی و ایجاد تعاملات مثبت تأکید دارد و می‌تواند به‌عنوان مدلی برای بهبود ارتباطات میان فرهنگی در جوامع معاصر به کار رود (غمامی و اسلامی‌تنها، ۱۴۰۱).

- مطالعات خارجی

در پژوهشی با عنوان بازآزمون مدل یکپارچه شایستگی ارتباطات میان فرهنگی در دانشجویان بین‌المللی از زمینه آسیایی مالزی، به بررسی عوامل مؤثر بر شایستگی ارتباطات میان فرهنگی دانشجویان بین‌المللی پرداخته شد. این مطالعه با استفاده از روش پیمایشی و تحلیل داده‌های کمی از ۳۷۴ دانشجوی بین‌المللی، مدل یکپارچه شایستگی ارتباطات میان فرهنگی را مورد آزمون مجدد قرار داد. یافته‌ها نشان داد که عوامل انگیزشی، مهارت‌های ارتباطی و دانش فرهنگی به‌طور معناداری بر موفقیت دانشجویان در تعاملات میان فرهنگی تأثیر می‌گذارند. این پژوهش بر اهمیت توسعه برنامه‌های آموزشی برای تقویت شایستگی‌های ارتباطی دانشجویان بین‌المللی تأکید کرد و نشان داد که درک تفاوت‌های فرهنگی و توانایی انطباق با آن‌ها از عوامل کلیدی موفقیت در محیط‌های چندفرهنگی است (Nadeem, Mohammed, & Dalib, ۲۰۲۰).

در مرور نظام‌مندی با عنوان الزامات و اهمیت شایستگی ارتباطات میان فرهنگی در قرن بیست و یکم، به بررسی جامع پژوهش‌های انجام شده در این حوزه پرداخته شد. این مطالعه با بررسی ۴۵ مقاله منتشر شده در مجلات نمایه شده در Web of Science و SCOPUS طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳، به شناسایی جنبه‌های عملی و عناصر کلیدی شایستگی ارتباطات میان فرهنگی پرداخت. یافته‌ها نشان داد که شایستگی ارتباطات میان فرهنگی یکی از نیازهای اساسی زندگی بشر در دنیای جهانی‌شده امروز است، به‌ویژه در حوزه‌های آموزش مدرن و تجارت بین‌المللی. این پژوهش بر اهمیت توسعه مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های لازم برای تعاملات مؤثر میان فرهنگی تأکید کرد و نشان داد که این شایستگی‌ها می‌توانند به کاهش سوءتفاهم‌ها و بهبود همکاری‌های بین‌المللی منجر شوند (Sarwari et al., ۲۰۲۴).

در مقاله‌ای با عنوان ارتباطات میان فرهنگی، به تحلیل نقش آگاهی میان فرهنگی در آموزش زبان انگلیسی پرداخته شد. این پژوهش با رویکرد مروری، مدل‌های مختلف شایستگی ارتباطی میان فرهنگی از جمله مدل Byram را بررسی کرد و بر اهمیت ادغام ابعاد میان فرهنگی در آموزش زبان تأکید نمود. یافته‌های این مطالعه نشان داد که آگاهی میان فرهنگی شامل درک نقش اشکال، رویه‌ها و چارچوب‌های فرهنگی در تعاملات است و این آگاهی به‌ویژه برای زبان‌آموزان انگلیسی که در محیط‌های متنوع فرهنگی فعالیت می‌کنند، حیاتی است. این پژوهش همچنین به چالش‌های موجود در یکپارچه‌سازی فرهنگ در آموزش زبان اشاره کرد و

پیشنهاد داد که فرهنگ نباید به عنوان یک مهارت جانبی، بلکه به عنوان جزء اصلی فرآیند یادگیری زبان در نظر گرفته شود (Baker, ۲۰۲۴).

- جمع بندی و خلاصه پژوهشی

مرور پژوهش های پیشین نشان می دهد که مطالعات متعددی به جنبه های مختلف ارتباطات میان فرهنگی از منظرهای متنوع پرداخته اند. مطالعات داخلی عمدتاً بر الگوهای ارتباطی قرآنی، نقش ارتباطات میان فرهنگی در تنش زدایی و تفاوت های فرهنگی بین شرق و غرب تمرکز داشته اند، در حالی که مطالعات خارجی بیشتر به شایستگی ارتباطات میان فرهنگی، مدل های نظری و کاربردهای عملی آن در محیط های آموزشی و بین المللی پرداخته اند.

با این حال، بررسی دقیق ادبیات موجود نشان می دهد که تاکنون مطالعه ای به طور مشخص به مقایسه تطبیقی نظریه ارتباطات یکپارچه یانگ یون کیم و مفهوم تعارف در اسلام نپرداخته است. اگرچه پژوهش هایی به بررسی الگوهای ارتباطی اسلامی و نیز مطالعاتی به تحلیل نظریه های غربی ارتباطات میان فرهنگی پرداخته اند، اما هیچ مطالعه ای به صورت سیستماتیک این دو رویکرد را در یک تحلیل تطبیقی مورد بررسی قرار نداده است. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام پژوهش حاضر را نشان می دهد.

پژوهش حاضر با ارائه تحلیلی جامع از نقاط اشتراک و افتراق نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف، به توسعه درک نظری و کاربردی از ارتباطات میان فرهنگی کمک می کند. این مطالعه تلاش دارد تا با شناسایی ظرفیت های همگرایی این دو رویکرد، مدلی تلفیقی ارائه دهد که بتواند در بهبود کیفیت ارتباطات میان فرهنگی در جوامع معاصر، به ویژه در زمینه های چندفرهنگی که نیازمند درک متقابل و احترام به تنوع فرهنگی هستند، مؤثر واقع شود.

۳- روش پژوهش

این پژوهش از روش تحلیل تطبیقی کیفی بهره می برد که یکی از رویکردهای شناخته شده در مطالعات میان رشته ای برای مقایسه نظام مند مفاهیم، نظریه ها یا پدیده های فرهنگی است. تحلیل تطبیقی به پژوهشگر امکان می دهد تا با شناسایی شباهت ها و تفاوت های بنیادین میان دو یا چند پدیده از زمینه های فرهنگی متفاوت، به درک عمیق تری از موضوع دست یابد و امکان همگرایی یا تعامل میان آن ها را بررسی کند (Ragin, ۲۰۱۴; Lijphart, ۱۹۷۱).

در این پژوهش، تحلیل تطبیقی برای بررسی دو رویکرد ارتباطی به کار گرفته شده است: نظریه ارتباطات یکپارچه که ریشه در مطالعات غربی ارتباطات میان فرهنگی دارد (Kim, ۲۰۰۱) و مفهوم تعارف که از متون اسلامی به ویژه قرآن کریم استخراج شده است (غمامی و همکاران، ۱۳۹۵). این رویکرد امکان شناسایی نقاط اشتراک، تفاوت ها و ظرفیت های همگرایی این دو مفهوم را فراهم می آورد (Collier, ۱۹۹۳).

داده های مورد نیاز برای این پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه ای گردآوری شده است. منابع اصلی شامل کتاب ها، مقالات علمی-پژوهشی، و متون معتبر اسلامی است که به صورت هدفمند با توجه به ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش انتخاب شده اند (Bowen, ۲۰۰۹). در زمینه نظریه ارتباطات یکپارچه، آثار یانگ یون کیم و پژوهش های مرتبط با سازگاری بین فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفته است. در حوزه تعارف اسلامی، تفاسیر قرآنی، آثار اندیشمندان اسلامی و مطالعات معاصر در زمینه ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام بررسی شده است.

فرآیند تحلیل در دو مرحله اصلی انجام شده است. در مرحله نخست، مبانی نظری هر یک از دو مفهوم به صورت مستقل بررسی و تحلیل شده است تا درک جامعی از اصول، مفاهیم کلیدی، کارکردها و اهداف هر رویکرد حاصل شود. این مرحله شامل مطالعه عمیق منابع، استخراج مفاهیم کلیدی، و تحلیل محتوای کیفی متون است (Krippendorff, ۲۰۱۸). در مرحله دوم، تحلیل تطبیقی انجام شده که در آن دو رویکرد بر اساس معیارهای مشخصی مقایسه می شوند. این معیارها شامل مفاهیم و اصول بنیادین، کارکردها و اهداف در جوامع، رویکرد به تنوع فرهنگی، و امکان تأثیرگذاری متقابل است.

برای تحلیل تطبیقی، از چارچوب مقایسه ای استفاده شده که بر اساس مطالعات پیشین در حوزه ارتباطات میان فرهنگی تدوین شده است (Gudykunst & Kim, ۲۰۰۳). این چارچوب امکان مقایسه نظام مند دو رویکرد را در ابعاد مختلف فراهم می آورد و به

شناسایی نقاط همگرایی و واگرایی کمک می‌کند. تحلیل داده‌ها به صورت تفسیری و با رویکرد استقرایی انجام شده است که در آن الگوها، موضوعات مشترک و تفاوت‌های معنادار از طریق مقایسه دقیق متون شناسایی می‌شوند. اعتبار یافته‌ها از طریق استفاده از منابع متنوع و معتبر، بررسی دقیق و چندباره متون، و مقایسه نظام‌مند بر اساس معیارهای مشخص تأمین شده است. همچنین برای افزایش روایی تحلیل، تلاش شده است تا هر دو رویکرد با عمق کافی بررسی شوند و مقایسه بر اساس درک جامع از هر مفهوم صورت گیرد، نه بر اساس برداشت‌های سطحی.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- نظریه ارتباطات یکپارچه

نظریه ارتباطات یکپارچه، که توسط یانگ یون کیم توسعه یافته، به طور جامع فرآیند سازگاری **میان فرهنگی** را توضیح می‌دهد؛ فرآیندی که در آن افراد از مرزهای فرهنگی عبور کرده و خود را با محیط فرهنگی جدید تطبیق می‌دهند. این نظریه به طور خاص در کتاب «ارتباطات و سازگاری میان فرهنگی» به چالش‌های مهاجران و چگونگی انطباق و زیست آن‌ها با فرهنگ جدید پرداخته است (Kim, ۲۰۰۱).

سازگاری **میان فرهنگی** از جمله موضوعاتی است که از دهه ۱۹۳۰ میلادی به صورت گسترده در آمریکا مورد مطالعه قرار گرفته است، کشوری که همواره با ورود مهاجران از فرهنگ‌های مختلف روبه‌رو بوده است (Spicer, ۱۹۶۸, Stonequist, ۱۹۳۷). در این پژوهش‌ها، فرآیند سازگاری به عنوان تلاش فرد برای ایجاد رابطه‌ای کارآمد و متقابل با محیط فرهنگی جدید تعریف شده است. سازگاری **میان فرهنگی** نه تنها شامل یادگیری زبان و هنجارهای اجتماعی جدید است، بلکه نیازمند تغییر نگرش‌ها و رفتارهای فردی نیز می‌باشد. این تغییرات به طور خاص در میان مهاجرانی که به دنبال زندگی و کار در کشورهای جدید هستند، مورد توجه قرار می‌گیرند.

در نظریه ارتباطات یکپارچه، سازگاری **میان فرهنگی** به عنوان فرآیندی پویا و تدریجی توصیف می‌شود که در آن، فرد مهاجر نه تنها باید با هنجارهای جدید فرهنگی آشنا شود، بلکه باید تلاش کند تا تعادل روانی و اجتماعی خود را در مواجهه با چالش‌های محیط جدید حفظ کند. این فرآیند به خصوص در کشورهایی مانند آمریکا، کانادا، استرالیا، و بسیاری از کشورهای اروپایی که مهاجرپذیر هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Berry, ۱۹۸۰).

نظریه ارتباطات یکپارچه، سازگاری **میان فرهنگی** را مفهومی پیچیده تعریف می‌کند که تحقق آن، مستلزم طی شدن مراحلی چون شوک فرهنگی، فرآیند تعدیل، شبیه‌سازی، و نهایتاً همگرایی است (Ward & Kennedy, ۱۹۹۵).

جان بری، روانشناس کانادایی و متخصص در زمینه روانشناسی فرهنگی و بین فرهنگی، به ویژه در زمینه فرآیندهای سازگاری فرهنگی و اجتماعی مهاجران و اقلیت‌های قومی، شناخته شده است. او تحقیقات گسترده‌ای در رابطه با چگونگی مواجهه افراد با فرهنگ‌های جدید انجام داده و به تحلیل چالش‌ها و راهکارهای مختلف برای تطبیق با این محیط‌ها پرداخته است. پژوهش‌های او در روانشناسی بین فرهنگی نقش کلیدی داشته و تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های مهاجرتی و برنامه‌های اجتماعی کشورهایی داشته که با گروه‌های فرهنگی متنوع سر و کار دارند. مدل سازگاری فرهنگی بری:

مدل بری بر دو پرسش اساسی متمرکز است: اول، آیا فرد مایل است فرهنگ خود را حفظ کند؟ دوم، آیا فرد به دنبال تعامل و ارتباط با فرهنگ میزبان است؟ بر اساس پاسخ به این دو پرسش، بری چهار شیوه مختلف را در سازگاری فرهنگی معرفی کرده است:

۱) **ادغام:** فرد همزمان با حفظ هویت فرهنگی خود، با فرهنگ جدید نیز در تعامل است و تلاش می‌کند بخشی از جامعه میزبان شود.

۲) **هم‌پذیری:** فرد به طور کامل هویت فرهنگی خود را کنار می‌گذارد و به طور کامل در فرهنگ جدید جذب می‌شود.

۳) **جدایی:** فرد فرهنگ خود را حفظ می‌کند و از تعامل و هم‌پذیری با فرهنگ میزبان اجتناب می‌کند.

۴) **حذف یا به حاشیه رانی:** فرد نه تنها فرهنگ خود را کنار می‌گذارد، بلکه از فرهنگ میزبان نیز فاصله می‌گیرد و خود را از

هر دو محیط جدا می‌کند (Berry, ۱۹۸۰).

این مدل به خوبی نشان می‌دهد که فرآیند سازگاری بین فرهنگی، نه یک فرآیند تک‌بعدی، بلکه پیچیده و چندبعدی است که به نگرش‌ها و اهداف فرد مهاجر و همچنین به شرایط محیط میزبان بستگی دارد.

مراحل سازگاری میان فرهنگی

سازگاری میان فرهنگی به‌طور معمول شامل مراحل است که هر مهاجر ممکن است در طی اقامت در کشور جدید تجربه کند. این مراحل به شرح زیر هستند:

(۱) **مرحله ورود و شوک فرهنگی:** در این مرحله، فرد مهاجر با تفاوت‌های فرهنگی، زبان جدید، و ناآشنایی با هنجارها و قوانین جامعه جدید روبه‌رو می‌شود. این شوک فرهنگی می‌تواند منجر به احساس سردرگمی، اضطراب، و حتی افسردگی شود. شوک فرهنگی از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی است که مهاجران با آن مواجه می‌شوند و مستلزم تطبیق تدریجی است (Ward, Bochner, & Furnham, ۲۰۰۱, ۲۶۷-۲۷۸).

(۲) **مرحله تعدیل و یادگیری:** پس از شوک اولیه، فرد مهاجر، شروع به یادگیری زبان، فرهنگ، و هنجارهای جامعه میزبان می‌کند. در این مرحله، فرد سعی می‌کند تا خود را با محیط جدید وفق دهد و با دیگران ارتباط برقرار کند. یادگیری فرهنگ جدید می‌تواند شامل آموختن زبان، آداب اجتماعی، و درک هنجارهای رفتاری باشد که باعث بهبود "تناسب" فرد با محیط جدید می‌شود (Berry, ۱۹۹۷, ۱۰-۱۲).

(۳) **مرحله انطباق و ادغام:** در این مرحله، فرد مهاجر شروع به احساس راحتی بیشتری در محیط جدید می‌کند و می‌تواند روابط مثبتی با افراد جامعه میزبان برقرار نماید. این مرحله شامل تلاش‌های آگاهانه برای تغییر نگرش‌ها و رفتارهای شخصی است تا به تدریج بتواند به عضوی از جامعه میزبان تبدیل شود (Berry, ۱۹۹۷, ۱۳-۱۵).

(۴) **مرحله ثبات و رشد:** در نهایت، فرد به سطحی از سازگاری می‌رسد که در آن می‌تواند هم به‌طور روانی و هم به‌طور اجتماعی به تعادل برسد. این مرحله شامل رشد فردی و فرهنگی است که در نتیجه تجربیات بین فرهنگی حاصل می‌شود. فرد در این مرحله به‌نوعی هویت **میان فرهنگی** دست پیدا می‌کند که به او اجازه می‌دهد تا به‌طور مؤثر در هر دو فرهنگ اصلی و میزبان عمل کند (Ward et al., ۲۰۰۱, ۲۷۹-۲۸۱).

یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه ارتباطات یکپارچه، فرآیند "فشار - سازگاری - رشد" است. این فرآیند به‌طور خاص به چالش‌هایی اشاره دارد که فرد مهاجر در مواجهه با محیط جدید با آن‌ها روبه‌رو می‌شود و اینکه چگونه این چالش‌ها می‌توانند به رشد و توسعه فردی منجر شوند. مهاجران معمولاً تحت فشارهای اجتماعی، فرهنگی و روانی قرار می‌گیرند تا خود را با جامعه میزبان هماهنگ کنند. این فشارها می‌توانند منجر به ایجاد استرس و تنش در فرد شوند، اما در عین حال فرصتی برای رشد و یادگیری نیز فراهم می‌آورند (Lazarus, ۱۹۶۶, ۱۹-۲۰).

گرایش طبیعی انسان به تعادل روانی و حفظ هویت، در مواجهه با چالش‌های محیطی، به‌عنوان یک نیروی محرک برای فرآیند سازگاری عمل می‌کند. این فرآیند باعث می‌شود تا فرد با بهره‌گیری از یادگیری و تجربه‌های جدید، توانایی‌های خود را افزایش دهد و به سطحی از رشد و ثبات برسد که به او اجازه می‌دهد با جامعه میزبان به‌طور مؤثرتری تعامل کند.

در نظریه ارتباطات یکپارچه، عوامل مختلفی که بر فرآیند سازگاری **میان فرهنگی** تأثیر می‌گذارند، شناسایی شده‌اند. این عوامل شامل ویژگی‌های شخصیتی فرد، محیط فرهنگی میزبان، و همچنین شرایط ارتباطات بین فردی و جمعی هستند:

(۱) **ویژگی‌های شخصیتی:** ویژگی‌هایی مانند گشودگی به تجربه‌های جدید، توانایی تحمل استرس، و نگرش مثبت نسبت به تغییرات از جمله عواملی هستند که به فرد کمک می‌کنند تا بهتر با محیط جدید سازگار شود (Whitley, ۱۹۹۹). افراد با سطح بالاتری از گشودگی و انعطاف‌پذیری، به‌طور معمول در فرآیند سازگاری موفق‌تر هستند.

(۲) **پذیرندگی محیط میزبان:** میزان پذیرندگی جامعه میزبان نسبت به مهاجران، نقش مهمی در موفقیت فرآیند سازگاری ایفا می‌کند. محیط‌هایی که پذیرای فرهنگ‌های مختلف هستند و به مهاجران اجازه می‌دهند تا هویت فرهنگی خود را حفظ کنند، معمولاً شرایط بهتری برای سازگاری فراهم می‌آورند (Gordon, ۱۹۷۳).

(۳) **ارتباطات بین فردی و جمعی:** توانایی برقراری ارتباطات مؤثر با افراد جامعه میزبان، یکی از کلیدی‌ترین عوامل در فرآیند سازگاری است. ارتباطات بین فردی به فرد مهاجر کمک می‌کند تا به‌طور مستقیم از فرهنگ میزبان بیاموزد و درک بهتری

از انتظارات اجتماعی پیدا کند. همچنین، ارتباطات جمعی مانند مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به فرد کمک کند تا حس تعلق بیشتری به جامعه پیدا کند (Horton & Wohl, ۱۹۷۹).

نظریه ارتباطات یکپارچه به‌طور جامع فرآیند سازگاری **میان فرهنگی** را به عنوان یک فرآیند پیچیده، پویا و تدریجی توصیف می‌کند که در آن، فرد مهاجر باید با چالش‌های محیطی و فرهنگی جدید روبه‌رو شود و به تدریج خود را با آن وفق دهد. این فرآیند نیازمند یادگیری، انعطاف‌پذیری، و ایجاد تغییرات در نگرش‌ها و رفتارهای فردی است. نظریه ارتباطات یکپارچه بر اهمیت ارتباطات به‌عنوان ابزار اصلی سازگاری تأکید دارد و نشان می‌دهد که بدون برقراری ارتباط موثر با جامعه میزبان، سازگاری ممکن نیست. از این رو، نقش ارتباطات بین فردی و جمعی در تسهیل این فرآیند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۴-۲- مفهوم تعارف در اسلام

آیه ۱۳ سوره حجرات به‌عنوان یکی از آیات کلیدی قرآن در زمینه ارتباطات میان فرهنگی، نگاهی جامع و ژرف به مفهوم تعارف و شناخت در اسلام ارائه می‌دهد. متن کامل این آیه به‌صورت زیر است:

"يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ"

در این آیه، خداوند به مخاطب خود به‌صورت «یا ایها الناس» اشاره می‌کند که نشان‌دهنده دعوتی عمومی به همه انسان‌ها است. این دعوت برای تأکید بر وحدت انسانی است که در تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای تجلی می‌یابد. از سوی دیگر، عبارت «خلقناکم من ذکر و انثی» بر خاستگاه مشترک بشری تأکید دارد که نشانه‌ای از برابری انسان‌ها، فارغ از جنسیت یا قومیت، است.

محوریت «تعارف» در آیه

عبارت «لتعارفوا» به معنای «برای شناختن یکدیگر» است که در متن این آیه به‌عنوان هدف تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای ذکر شده است. در این آیه، «تعارف» نه تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای شناخت اجتماعی و تعامل فرهنگی، بلکه به‌عنوان یک اصل اخلاقی و هدفی بلندمرتبه در زندگی انسان‌ها معرفی می‌شود.

دو نگاه کلی در تفسیر آیه ۱۳ سوره حجرات

نگاه اول: تقوا به‌عنوان اصل برتری

در تفسیر رایج این آیه، بخش «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ» به‌عنوان محور اصلی برتری در میان انسان‌ها معرفی شده است. تقوا در اینجا به معنای پرهیزگاری و التزام به اصول و احکام دینی است. به این معنا که برتری افراد در نزد خداوند، نه بر اساس جایگاه اجتماعی، ثروت، یا وابستگی‌های قومی و نژادی، بلکه بر اساس تقوا و میزان پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و معنوی سنجیده می‌شود.

این تفسیر بر پایه اخلاق اسلامی استوار است که همه انسان‌ها، فارغ از هر نوع تبعیض اجتماعی، به تقوا فراخوانده می‌شوند. به عبارت دیگر، معیار برتری در جامعه انسانی بر اساس ویژگی‌های درونی و معنوی است و نه نشانه‌های ظاهری مانند قومیت، نژاد یا ثروت. این دیدگاه تأکید می‌کند که تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای تنها برای شناخت بهتر یکدیگر در جامعه ایجاد شده است و نباید منجر به برتری‌طلبی یا تفاوت‌های تبعیض‌آمیز شود.

مفاهیم تقوا و تعارف در این نگاه

تقوا به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی در قرآن و روایات اسلامی به معنای خودکنترلی و انجام اعمالی است که به رضایت الهی منجر شود. از این منظر، تعارف به معنای تلاش برای ایجاد تعامل مثبت و شناخت متقابل میان افراد، بر پایه تقوا و پرهیز از ریاکاری و تظاهر است. بنابراین، هم شناخت متقابل و هم تعاملات اجتماعی باید بر مبنای صداقت و نیت پاک باشند.

این دیدگاه بیش از آن که به جنبه اجتماعی تعارف توجه داشته باشد، به جنبه فردی آن پرداخته و تأکید می‌کند که شناخت متقابل باید بر پایه تقوا و اخلاق فردی باشد. به این ترتیب، افراد باید سعی کنند تا در تعاملات خود به اصول اخلاقی پایبند بوده و از ظواهر فریبنده و نیت‌های نادرست دوری کنند.

نقد و تحلیل نگاه اول

یکی از نکات مهم در این نگاه، تأکید بر ارتباط بین تقوا و تعارف است. با وجود اینکه این دیدگاه به فضایل اخلاقی و اهمیت تقوا در شناخت و تعاملات اجتماعی اشاره دارد، اما ممکن است برخی آن را به‌عنوان یک تفسیر صرفاً اخلاقی از آیه در نظر بگیرند که به‌طور مستقیم به مشکلات عملی در تعاملات میان فرهنگی نمی‌پردازد.

بر اساس این دیدگاه، تعارف به‌عنوان یکی از شئون آداب اجتماعی، باید در چارچوب اصول اخلاقی که از تقوا سرچشمه می‌گیرد، در نظر گرفته شود. به این ترتیب، این تفسیر به دنبال ترویج فرهنگ صداقت و احترام متقابل در جامعه است.

نگاه دوم: تفسیر غمامی و اسلامی تنها؛ تأکید بر تعارف

در نگاه دوم، که توسط غمامی و اسلامی تنها، در کتاب آن‌ها ارائه شده است (غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۸)، تأکید بر جنبه دیگری از آیه ۱۳ سوره حجرات است: "تعارف" به‌عنوان هدف اصلی شناخت متقابل میان افراد و گروه‌های مختلف. در این تفسیر، تعارف نه صرفاً به معنای آداب معاشرت یا جنبه‌های اخلاق فردی، بلکه به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود که هدف از آن، ایجاد تعاملات مثبت و پایدار بین افراد با پس‌زمینه‌های مختلف قومی و فرهنگی است.

تفسیر غمامی - اسلامی تنها از «لتعارفوا»

غمامی و اسلامی تنها، بر این باور هستند که عبارت «لتعارفوا» در این آیه نه تنها به معنای شناخت متقابل، بلکه به‌عنوان یک دعوت به ارتباطات میان فرهنگی و فهم متقابل تعریف می‌شود. آن‌ها معتقدند که هدف اصلی آیه از اشاره به تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای، ترغیب به گفت‌وگو و تعامل میان فرهنگ‌های مختلف است. به این ترتیب، تعارف به‌عنوان وسیله‌ای برای تقویت شناخت و ایجاد همدلی میان افراد با فرهنگ‌ها و ارزش‌های متفاوت معرفی می‌شود.

تأکید بر شناخت به‌عنوان بنیاد تعارف

از دیدگاه غمامی و اسلامی تنها، تعارف باید به‌عنوان فرآیندی فرهنگی که به بهبود روابط انسانی کمک می‌کند، در نظر گرفته شود. آن‌ها به جای تمرکز بر تقوا به‌عنوان معیار برتری، بر شناخت متقابل به‌عنوان یکی از اهداف اصلی تعاملات میان فرهنگی تأکید می‌کنند. این تفسیر می‌کوشد تا نقش تعارف را در بهبود کیفیت ارتباطات و تعاملات انسانی برجسته سازد و آن را به‌عنوان راهی برای کاهش تعارضات فرهنگی معرفی کند.

غمامی و اسلامی تنها همچنین در این تفسیر، تعارف را به‌عنوان یک مفهوم فراتر از آداب معمولی معاشرت در نظر می‌گیرند و معتقدند که این مفهوم می‌تواند به‌عنوان یک الگو برای ساختن روابطی پایدار و صلح‌آمیز بین افراد با فرهنگ‌های مختلف عمل کند. آن‌ها تأکید دارند که شناخت متقابل می‌تواند به‌عنوان پلی برای درک بهتر و کاهش تنش‌ها و سوء تفاهم‌های میان فرهنگی عمل کند.

نقد و تحلیل این تفسیر

تفسیر ارائه شده از «تعارف» به‌عنوان هدف شناخت متقابل در این آیه، با توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، رویکردی نوآورانه است که بر نقش تعارف در ساختن پل‌های ارتباطی بین فرهنگ‌های مختلف تأکید دارد. این دیدگاه به‌جای محدود کردن تعارف به مفهومی فردی و اخلاقی، آن را به‌عنوان یک استراتژی اجتماعی برای تعاملات میان فرهنگی مطرح می‌کند.

نویسندگان معتقدند که شناخت متقابل، نه تنها برای ایجاد روابط صلح‌آمیز و کاهش تعارضات، بلکه به‌عنوان یک نیاز اساسی برای توسعه فرهنگی و اجتماعی ضروری است. به این ترتیب، این تفسیر به دنبال آن است که تعارف را به‌عنوان یک ابزار فعال برای ساختن جوامعی با روابط قوی‌تر و درک متقابل بیشتر، با پایبندی به اصول تقوا، معرفی کند (غمامی و همکاران، ۱۳۹۸).

بر اساس این نگاه، آیه ۱۳ سوره حجرات به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین آیات قرآن، بر مفهوم تعارف و شناخت متقابل در جامعه تأکید دارد. در این آیه، خداوند به تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای به‌عنوان راهی برای شناخت بهتر یکدیگر اشاره می‌کند و هدف اصلی

از این تفاوت‌ها را تشویق به تعامل، شناخت متقابل، و تقوا معرفی می‌کند، تا برتری واقعی افراد در نزد خداوند، تنها بر اساس میزان تقوای آن‌ها سنجیده شود.

اهمیت این دو تفسیر در بهبود ارتباطات میان فرهنگی

این دو نگاه به مفهوم تعارف، به صورت مکمل عمل می‌کنند. نگاه اول بر جنبه‌های اخلاقی و فردی تأکید دارد و می‌کوشد تا تعارف را به عنوان وسیله‌ای برای تقویت تقوا و ارزش‌های معنوی معرفی کند. از سوی دیگر، نگاه غمami و اسلامی تنها، به عنوان یک رویکرد اجتماعی و میان فرهنگی، تعارف را به عنوان یک ابزار فعال برای تعاملات بهتر و شناخت متقابل بین فرهنگ‌ها معرفی می‌کند.

غمami و اسلامی تنها، در مقاله خود (۱۴۰۱) به این نکته اشاره دارند که ارتباطات میان فرهنگی، نیازمند فرآیندی فعال و پویا از مفهوم « تعارف » است که بتواند به طور موثری، تنش‌های فرهنگی را کاهش داده و به تقویت همدلی میان فرهنگ‌های مختلف منجر شود. آن‌ها معتقدند درک بهتر از تعارف و شناخت متقابل، می‌تواند به توسعه روابط صلح‌آمیز و پایدار در سطح جهانی کمک کند.

بر مبنای این مقاله، نکات کلیدی برای تبیین بهتر تعارف عبارت‌اند از:

- ❖ تعارف در اسلام: فراتر از آداب اجتماعی روزمره است و به عنوان یک اصل اخلاقی و دینی مورد تأکید قرار می‌گیرد.
- ❖ هدف آیه ۱۳ سوره حجرات: تشویق به تعاملات فرهنگی و شناخت بهتر از طریق تفاوت‌های قومی.
- ❖ تحلیل غمami و اسلامی تنها: تعارف به عنوان ابزار کاهش تنش و بهبود کیفیت ارتباطات میان فرهنگی معرفی می‌شود.
- ❖ اهمیت تقوا در شناخت متقابل: در نگاه اول، تقوا به عنوان اصلی‌ترین معیار شناخت و برتری در جامعه اسلامی شناخته می‌شود.
- ❖ تعارف به عنوان استراتژی اجتماعی: از نگاه غمami و اسلامی تنها، تعارف یک استراتژی برای تعاملات مثبت و کاهش سوء تفاهم‌های فرهنگی محسوب می‌شود.

تعارف در فرهنگ و ادب اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد و به عنوان یکی از ارکان مهم روابط اجتماعی مطرح می‌شود. این مفهوم در منابع مختلف اسلامی از جمله احادیث، روایات و آثار ادبی مورد توجه قرار گرفته است؛

دیدگاه دکتر محمد عابد الجابری: الجابری، یکی از اندیشمندان معاصر مراکشی، در کتاب خود « العقل الأخلاقی العربی

» مفهوم تعارف را به عنوان یکی از اصول اخلاقی بنیادین در فرهنگ اسلامی مطرح می‌کند. به اعتقاد او، تعارف فرآیندی برای آشنایی متقابل و یافتن نقاط مشترک میان افراد و گروه‌ها است. الجابری معتقد است که در این فرآیند، تفاوت‌ها نه به عنوان موانع، بلکه به عنوان ابزارهایی برای درک بهتر دیگری و ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز مورد استفاده قرار می‌گیرند (Al-Jabiri, ۲۰۰۱). الجابری تأکید دارد که تعارف باید به عنوان یک اصل اخلاقی در زندگی روزمره مسلمانان پیاده شود تا روابط اجتماعی با رویکردی مبتنی بر احترام متقابل و درک یکدیگر، به ویژه در جوامع چندفرهنگی، بهبود یابد (ارزانی و اهتمام، ۱۳۹۴). این دیدگاه باعث می‌شود تا مسلمانان در تلاش برای ایجاد پیوندهای انسانی پایدار باشند و با احترام به تفاوت‌ها، به همزیستی مسالمت‌آمیز دست یابند (غمami و همکاران، ۱۴۰۱).

علامه طباطبایی و تفسیر المیزان: علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان، تعارف را به عنوان یک فرآیند شناخت متقابل تعریف می‌کند که هدف آن، ایجاد پیوند و ارتباط بین انسان‌ها است. او معتقد است که تعارف نه تنها از تفاخر و برتری‌جویی جلوگیری می‌کند، بلکه به ترویج عدالت و ایجاد تفاهم میان انسان‌ها نیز کمک می‌کند. طباطبایی بر اهمیت ارتباطات انسانی در دین اسلام تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که تعارف باید با نیت خیر و بدون انتظار منفعت شخصی انجام شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۱۸). آیت‌الله جوادی آملی در تفاسیر و آثار خود به تعارف به عنوان یک اصل بنیادین اخلاقی و اجتماعی پرداخته و آن را زمینه‌ساز همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و ملل مختلف دانسته است. ایشان بر این باور است که اسلام تعارف را ابزاری برای ایجاد تفاهم و همگرایی بین افراد جامعه معرفی کرده و آن را راهکاری برای تقویت همبستگی اجتماعی می‌شناسد (جوادی آملی، ۱۳۸۸). در نگاه ایشان، تعارف باید با در نظر گرفتن کرامت انسانی و رعایت اصول اخلاقی انجام پذیرد و از هرگونه بهره‌برداری شخصی یا

نفع طلبی به دور باشد. این رویکرد نشان می‌دهد که تعارف در اندیشه اسلامی فراتر از یک آداب اجتماعی صرف، حامل بار ارزشی و اخلاقی عمیقی است که بر احترام به انسان و حفظ کرامت او تأکید دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۲).

شهید مطهری در تحلیل خود از روابط اجتماعی، تعارف را در ارتباط مستقیم با مفهوم فطرت انسانی قرار داده است. در نظر ایشان، تعارف راهی برای شکوفایی استعدادهای فطری انسان محسوب می‌شود و به ایجاد تعاملات اجتماعی مثبت و سازنده یاری می‌رساند (مطهری، ۱۳۸۹ الف). مطهری بر این باور است که تعارف به مثابه یک اصل اخلاقی، می‌تواند به شکل‌گیری جامعه‌ای منسجم و دارای احترام متقابل منجر گردد. ایشان تأکید دارد که تعارف باید با نیت خالصانه و به دور از ریا و تظاهر انجام شود، زیرا هدف اصلی آن ارتقای روابط انسانی و ایجاد صلح و تفاهم در جامعه است (مطهری، ۱۳۸۹ ب). این دیدگاه نشان می‌دهد که در اندیشه مطهری، تعارف نه تنها یک رفتار بیرونی، بلکه برخاسته از درون انسان و منطبق با فطرت الهی او است که در جهت کمال‌یابی فردی و اجتماعی سوق می‌یابد.

آیت‌الله جوادی آملی در آثار تفسیری و اخلاقی خود به تعارف به عنوان یک اصل بنیادین اخلاقی و اجتماعی پرداخته و آن را عاملی برای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و ملل مختلف دانسته است. در نگاه ایشان، اسلام تعارف را ابزاری برای ایجاد تفاهم و همگرایی بین افراد جامعه معرفی کرده و آن را راهکاری مؤثر برای تقویت همبستگی اجتماعی می‌شناسد (جوادی آملی، ۱۳۸۸). ایشان بر این نکته تأکید دارد که تعارف باید با رعایت کرامت انسانی و اصول اخلاقی صورت پذیرد و از هرگونه سوءاستفاده شخصی یا منفعت‌طلبی به دور باشد. این دیدگاه نشان می‌دهد که تعارف در اندیشه اسلامی فراتر از یک رفتار ظاهری، دارای بار ارزشی و اخلاقی عمیقی است (جوادی آملی، ۱۳۹۲).

شهید مطهری در بررسی روابط اجتماعی، تعارف را در پیوند مستقیم با مفهوم فطرت انسانی تحلیل کرده است. در نظر ایشان، تعارف مسیری برای شکوفایی استعدادهای فطری انسان محسوب می‌شود و به ایجاد تعاملات اجتماعی مثبت و سازنده کمک می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹ الف). مطهری معتقد است که تعارف به مثابه یک اصل اخلاقی، می‌تواند به شکل‌گیری جامعه‌ای منسجم و دارای احترام متقابل منجر شود. ایشان بر این نکته تأکید دارد که تعارف باید با نیت خالصانه و به دور از ریا و تظاهر انجام پذیرد و هدف اصلی آن، ارتقای روابط انسانی و ایجاد صلح و تفاهم در جامعه است (مطهری، ۱۳۸۹ ب). این رویکرد نشان می‌دهد که در اندیشه مطهری، تعارف نه تنها یک رفتار بیرونی، بلکه برآمده از فطرت الهی انسان است که در مسیر کمال‌یابی فردی و اجتماعی قرار دارد.

دیدگاه دکتر سید حسین نصر: دکتر سید حسین نصر، فیلسوف معاصر، تعارف را در چارچوب گفتگوی تمدن‌ها مطرح کرده و آن را راهکاری برای ایجاد تفاهم و تعامل میان فرهنگ‌های مختلف معرفی می‌کند. نصر معتقد است که تعارف به عنوان یک اصل اخلاقی می‌تواند به کاهش تعارضات فرهنگی و ایجاد روابط صمیمانه بین ملل و فرهنگ‌های گوناگون کمک کند (Nasr, ۲۰۰۳). به اعتقاد ایشان، تعارف باید با رویکردی سازنده و به دور از سوگیری‌های منفی انجام شود تا بتواند به تقویت روابط انسانی و درک متقابل میان تمدن‌ها بینجامد.

با وجود اینکه اندیشمندان مسلمان از غزالی تا مطهری همگی به اهمیت تعارف در روابط اجتماعی اشاره کرده‌اند، آنچه رویکرد غمامی و اسلامی تنها را متمایز می‌سازد، تلاش آنان برای نظریه‌پردازی سیستماتیک و ارائه تعارف به مثابه یک مدل ارتباطی میان فرهنگی است. در حالی که اندیشمندان پیشین عمدتاً از منظر اخلاقی و فقهی به تعارف پرداخته‌اند، غمامی و اسلامی تنها با بهره‌گیری از نظریه‌های ارتباطات معاصر، تعارف قرآنی را به عنوان جایگزینی برای مفهوم تساهل^۱ غربی مطرح کرده و آن را در قالب یک چارچوب نظری با ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری تبیین نموده‌اند (غمامی و همکاران، ۱۳۹۵). این رویکرد، تعارف را از یک مفهوم اخلاقی صرف به یک الگوی کاربردی برای ارتباطات میان فرهنگی در جهان معاصر تبدیل می‌کند و امکان مقایسه تطبیقی آن با نظریه‌های غربی ارتباطات را فراهم می‌آورد. بنابراین، تمرکز این پژوهش بر رویکرد غمامی و اسلامی تنها به دلیل ماهیت نظریه‌پردازانه و ارتباطی کار آنان است که امکان تحلیل تطبیقی با نظریه ارتباطات یکپارچه را ممکن می‌سازد.

^۱ Tolerance

ابعاد سه‌گانه تعارف: در تحلیل خود، این دو محقق تعارف را از منظر سه بعد اساسی بررسی می‌کنند: بعد شناختی، بعد عاطفی، و بعد رفتاری. هر کدام از این ابعاد، نقش منحصربه‌فردی در شکل‌دهی به مفهوم تعارف و تعاملات میان فرهنگی دارند.

۱) بعد شناختی

بعد شناختی تعارف به معنای تلاش برای درک متقابل و شناخت تفاوت‌های فرهنگی است. نویسندگان تأکید دارند که در قرآن، آشنایی با دیگران و شناخت تفاوت‌های آن‌ها به‌عنوان یک اصل مهم مطرح شده است. این بعد، به معنای جستجوی آگاهی از دیگری با هدف یافتن نقاط مشترک و جلوگیری از سوء تفاهم‌ها و تعارضات است.

نویسندگان در این بخش به آیاتی از قرآن اشاره می‌کنند که به شناخت متقابل تأکید دارند. برای مثال، آیه «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا» (حجرات: ۱۳) یکی از آیاتی است که به‌طور مستقیم به مفهوم تعارف و شناخت متقابل اشاره می‌کند. این آیه به‌وضوح بیان می‌دارد که تفاوت‌های قومی و فرهنگی، ابزاری برای تعارف و تعامل میان مردم است، نه عامل تفرقه و جدایی (تناکر).

ایشان معتقدند که بعد شناختی تعارف، به ویژه در جوامع معاصر که با تنوع فرهنگی بیشتری مواجه‌اند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به اعتقاد آن‌ها، برای داشتن تعاملات سازنده و مؤثر، ابتدا باید تفاوت‌های فرهنگی را به‌عنوان یک واقعیت بپذیریم و سپس تلاش کنیم تا این تفاوت‌ها را درک کنیم. آن‌ها استدلال می‌کنند که این بعد از تعارف، به کاهش تعصبات فرهنگی و تسهیل در ارتباطات میان فرهنگی کمک می‌کند و زمینه‌ساز تفاهم و همکاری میان فرهنگ‌های مختلف می‌شود.

۲) بعد عاطفی

این دو محقق، بعد عاطفی تعارف را به‌عنوان یک اصل ضروری در روابط انسانی تعریف می‌کنند. آن‌ها بیان می‌کنند که تعارف در این بعد، شامل ایجاد حس همدلی و احترام متقابل میان افراد و گروه‌های مختلف است. به گفته آن‌ها، ارتباطات مبتنی بر عاطفه و احساس، باعث می‌شود تا افراد بتوانند به‌راحتی با یکدیگر تعامل کنند و به تفاهم برسند. این بعد از تعارف، به‌ویژه در زمینه‌های مذهبی و اجتماعی که ارزش‌های اخلاقی نقش برجسته‌ای دارند، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. نویسندگان بر این نکته تأکید می‌کنند که احترام به کرامت انسانی و ایجاد فضای صمیمانه در تعاملات اجتماعی، یکی از اصول کلیدی تعارف است. به عقیده آن‌ها، این بعد تعارف، به انسان‌ها کمک می‌کند تا با نگاهی مثبت به تفاوت‌ها، به‌جای تقابل و درگیری، به همزیستی و همکاری برسند.

این دو محقق، معتقدند که یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیاده‌سازی بعد عاطفی تعارف در جوامع معاصر، وجود تعصبات فرهنگی و ملی است. این تعصبات، مانع از ایجاد احترام متقابل و همدلی در ارتباطات میان فرهنگی می‌شوند و به جای ایجاد تفاهم، باعث ایجاد تنش‌ها و درگیری‌ها می‌شوند. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که برای تقویت بعد عاطفی تعارف، باید به آموزش ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جوامع پرداخت تا افراد بتوانند از طریق ایجاد حس همدلی، به تفاهم و همکاری برسند.

۳) بعد رفتاری

بعد رفتاری تعارف به معنای مجموعه‌ای از رفتارهای مثبت و سازنده است که در تعاملات میان فرهنگی به کار می‌رود. در نظر این پژوهشگران، بعد رفتاری تعارف شامل رفتارهایی است که باعث تقویت ارتباطات انسانی می‌شود و به حفظ کرامت و احترام متقابل کمک می‌کند.

این بعد، نقش عملی تعارف را در ایجاد روابط صمیمانه و کارآمد برجسته می‌کند. نویسندگان بر این باورند که رفتارهای تعارفی، نه تنها باید به‌صورت واقعی و خالصانه انجام شوند، بلکه باید با نیت خیرخواهانه و به‌دور از منفعت‌طلبی شخصی باشند. به بیان آن‌ها، این رفتارها باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که به تقویت همبستگی اجتماعی و بهبود تعاملات میان فرهنگی منجر شوند.

محققان مذکور همچنین به چالش‌های پیاده‌سازی بعد رفتاری تعارف در جوامع معاصر اشاره می‌کنند. آن‌ها معتقدند که یکی از موانع اصلی در این زمینه، نبود آموزش‌های مناسب در مورد نحوه تعاملات انسانی و احترام به دیگران است. به عقیده آن‌ها، آموزش و ترویج رفتارهای تعارفی در سطح جامعه می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش تنش‌های فرهنگی کمک کند.

این دو محقق در کتاب «هم‌شناسی فرهنگی»، تعارف قرآنی را نه تنها به عنوان یک مفهوم نظری، بلکه به عنوان یک راهبرد کاربردی در حل چالش‌های ارتباطی جهان معاصر مطرح می‌کنند. آن‌ها تأکید دارند که تعارف قرآنی با تأکید بر شناخت متقابل و احترام به تنوع فرهنگی، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد دیالوگ‌های سازنده و تقویت تعاملات مثبت میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها باشد. به اعتقاد آن‌ها، این رویکرد، برخلاف مفهوم تساهل در فرهنگ غربی که اغلب به معنای تحمل صرف تفاوت‌ها است، به دنبال ایجاد درک عمیق و تعاملات مؤثر میان فرهنگ‌های مختلف است. این رویکرد، نیازمند روشی فعال‌تر و مؤثرتر است که در آن، تفاوت‌ها نه به عنوان موانع، بلکه به عنوان ابزارهای سازنده درک و همبستگی در نظر گرفته می‌شوند.

اهمیت تعارف در ارتباطات میان فرهنگی:

۱. ایجاد پل ارتباطی

تعارف قرآنی به عنوان یک پل ارتباطی عمل می‌کند که امکان درک متقابل و ارتباط بهتر میان فرهنگ‌های مختلف را فراهم می‌سازد. نویسندگان معتقدند که تعارف، به جای نادیده گرفتن یا تقابل با تفاوت‌ها، به دنبال استفاده بهینه از تفاوت‌های فرهنگی برای ایجاد پیوندهای اجتماعی و تقویت همبستگی است. در این رویکرد، تفاوت‌های فرهنگی به عنوان فرصت‌هایی برای یادگیری و گسترش دیدگاه‌ها تلقی می‌شوند، که می‌تواند به غنای تجربیات انسانی کمک کند. نویسندگان اشاره می‌کنند که این دیدگاه می‌تواند در فضای جهانی شده امروزی که با تنوعات فرهنگی روبه‌رو است، بسیار مؤثر واقع شود.

۲. کاهش تنش‌های فرهنگی

غمامی و اسلامی تنها، بر این باورند که تأکید بر شناخت متقابل و احترام به تفاوت‌ها می‌تواند به کاهش سوء تفاهم‌ها و تنش‌های فرهنگی کمک کند. در جامعه جهانی که با چالش‌های ارتباطی متعددی مواجه است، تعارف به عنوان ابزاری برای مدیریت تعارضات فرهنگی عمل می‌کند. با ایجاد درک مشترک و تقویت ارتباطات میان افراد و گروه‌های مختلف، تعارف می‌تواند به کاهش تنش‌ها و بهبود کیفیت تعاملات اجتماعی کمک کند. نویسندگان معتقدند که تعارف قرآنی، با ارائه الگوی عملی برای کاهش تعارضات و ایجاد توافقات فرهنگی، به عنوان یک مدل ارتباطی جهانی قابل استفاده است.

۳. تقویت همبستگی جهانی

نویسندگان استدلال می‌کنند که تعارف قرآنی، می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تقویت صلح جهانی عمل کند. ایجاد فهم مشترک و پذیرش تنوع فرهنگی، زمینه‌ساز ایجاد همبستگی جهانی است که می‌تواند به کاهش منازعات فرهنگی و افزایش همکاری‌های بین‌المللی منجر شود. به ویژه در شرایط جهانی که با تنش‌های فرهنگی و سیاسی مواجه است، تعارف به عنوان یک ابزار برای دیپلماسی فرهنگی می‌تواند در بهبود روابط بین‌المللی مؤثر باشد.

چالش‌های پیاده‌سازی مفهوم تعارف:

۱. خودمحوری و تعصب فرهنگی

غمامی و اسلامی تنها، به چالش‌های مختلف پیاده‌سازی تعارف قرآنی در جوامع معاصر اشاره می‌کنند. از جمله موانع اصلی این پیاده‌سازی، خودمحوری و تعصب فرهنگی است که در بسیاری از جوامع وجود دارد. آن‌ها معتقدند که تعصب‌های فرهنگی مانع از ایجاد درک متقابل و تعاملات صمیمانه می‌شود و افراد را از پذیرش تنوع فرهنگی بازمی‌دارد. به همین دلیل، تعارف به عنوان یک اصل ارتباطی، نمی‌تواند به خوبی در جوامع پیاده شود، مگر آن‌که این موانع از میان برداشته شوند.

۲. نیاز به آموزش و فرهنگ‌سازی گسترده

غمامی و اسلامی تنها، بر اهمیت آموزش و فرهنگ‌سازی گسترده در زمینه ترویج تعارف قرآنی تأکید دارند. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که برای ترویج این رویکرد، باید از روش‌های آموزشی نوین و ابزارهای ارتباطی مناسب استفاده شود. به ویژه، آموزش‌های فرهنگی و تقویت مهارت‌های ارتباطی میان فرهنگی، می‌تواند به بهبود درک متقابل و کاهش تنش‌ها در جامعه کمک کند. نویسندگان همچنین

به لزوم ارتقاء سواد میان فرهنگی و تقویت ارزش‌های انسانی در جوامع مختلف اشاره می‌کنند و معتقدند که این آموزش‌ها می‌تواند به ایجاد درک مشترک و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی کمک کند.

رویکرد کاربردی تعارف در جهان معاصر، به‌عنوان یک راهبرد ارتباطی جامع و مؤثر، می‌تواند به ایجاد همبستگی اجتماعی و کاهش تنش‌های فرهنگی کمک کند. این رویکرد با تأکید بر شناخت متقابل، احترام به تفاوت‌ها، و ایجاد پیوندهای ارتباطی، می‌تواند به‌عنوان مدلی برای بهبود کیفیت ارتباطات میان فرهنگی در عصر جهانی‌شده امروز به کار رود. با این حال، چالش‌هایی مانند تعصب فرهنگی و نیاز به آموزش‌های مناسب، نیازمند توجه ویژه برای تحقق کامل این مدل ارتباطی است.

۴-۳- تحلیل تطبیقی

۴-۳-۱- مقایسه مفاهیم و اصول کلیدی

نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام، هر دو به‌عنوان رویکردهایی برای بهبود ارتباطات مطرح شده‌اند، اما از زمینه‌های فرهنگی و نظری متفاوتی نشأت گرفته‌اند. نظریه ارتباطات یکپارچه، توسعه‌یافته توسط یانگ یون کیم، در بستر مطالعات مهاجرت و ارتباطات میان‌فرهنگی شکل گرفته است. این نظریه به‌عنوان چارچوبی برای فهم چگونگی سازگاری افراد با محیط‌های فرهنگی جدید مطرح شده و به دنبال تبیین فرایندهای روانشناختی-اجتماعی این سازگاری است.

در مقابل، مفهوم «تعارف» در اسلام، از زمینه ارتباطات دینی و تعاملات میان پیروان ادیان مختلف برخاسته است. این مفهوم بر اساس اصول قرآن، به‌ویژه آیه ۱۳ سوره حجرات، بر شناخت متقابل، احترام به تفاوت‌ها، و پذیرش تنوع فرهنگی تأکید دارد. تعارف در معنای قرآنی آن، به‌عنوان یک رویکرد اخلاقی و اجتماعی برای تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد درک متقابل میان افراد و گروه‌ها مطرح است.

نظریه ارتباطات یکپارچه، با تمرکز بر مفهوم «سازگاری و انطباق فرهنگی»، چهار مرحله اصلی را در فرآیند سازگاری شناسایی می‌کند: آشنایی اولیه با فرهنگ جدید، تنش و چالش‌های فرهنگی، تلاش برای سازگاری، و در نهایت دستیابی به تعادل فرهنگی. یکی از مفاهیم کلیدی این نظریه، «شایستگی ارتباطی بین‌فرهنگی» است که به توانایی فرد در برقراری ارتباط مؤثر در محیط‌های چندفرهنگی اشاره دارد. این شایستگی شامل مهارت‌های زبانی، درک الگوهای ارتباطی غیرکلامی، و توانایی تفسیر صحیح نشانه‌های فرهنگی است.

تفاوت اساسی میان این دو رویکرد در ماهیت و هدف نهایی آنهاست. نظریه ارتباطات یکپارچه یک رویکرد تطبیقی-روانشناختی است که هدف آن تبیین و تسهیل فرآیند سازگاری فردی در محیط‌های چندفرهنگی است. در مقابل، تعارف در اسلام به‌عنوان یک هنجار اجتماعی و اخلاقی، بر تعامل دوطرفه و بهبود روابط انسانی تأکید می‌کند. با این حال، هر دو مفهوم بر اهمیت درک متقابل تأکید دارند، اما از زوایای متفاوت: در ارتباطات یکپارچه، این درک از طریق فرآیند سازگاری تدریجی و کسب شایستگی‌های ارتباطی حاصل می‌شود، در حالی که در تعارف، درک متقابل به‌عنوان یک اصل اخلاقی و هدف غایی مطرح است.

در بررسی اصول و مبانی نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف، شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی مشاهده می‌شود؛

شباهت‌ها:

(۱) **اهمیت ارتباط مؤثر:** هر دو رویکرد بر ضرورت برقراری ارتباط اثربخش تأکید دارند، اگرچه تعریف اثربخشی در هر یک، تا حدودی متفاوت است.

(۲) **توجه به مخاطب:** هر دو دیدگاه، مخاطب را در مرکز فرآیند ارتباطی قرار می‌دهند، هرچند نحوه تعامل با مخاطب در آن‌ها متفاوت است.

(۳) **تطبیق و سازگاری فرهنگی:** هر دو رویکرد بر اهمیت انطباق با محیط فرهنگی تأکید دارند. در نظریه ارتباطات یکپارچه، این فرآیند از طریق سازگاری تدریجی مهاجران با فرهنگ جدید و کسب مهارت‌های ارتباطی بین‌فرهنگی صورت می‌گیرد، که هدف آن کاهش تنش‌های فرهنگی و افزایش توانایی فرد در برقراری ارتباط مؤثر است. در مقابل، در تعارف، این سازگاری بر مبنای هنجارها و ارزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و هدف آن ایجاد فضای احترام‌آمیز در تعاملات انسانی است.

۴) نوع نگرش به زمان: هر دو رویکرد به اهمیت زمان تأکید دارند. در نظریه ارتباطات یکپارچه، انطباق با فرهنگ جدید فرآیندی تدریجی است، و در تعارف، تعاملات پایدار و بلندمدت برای تقویت روابط انسانی ضروری است.

تفاوت‌ها:

۱) خاستگاه فلسفی:

- ارتباطات یکپارچه: این نظریه بر مبنای روان‌شناسی اجتماعی و مطالعات مهاجرت استوار است و به فرآیندهای سازگاری فرد با فرهنگ جدید می‌پردازد.
- تعارف: مفهومی قرآنی با ریشه‌های عمیق در فلسفه اسلامی که بر شناخت متقابل و تعامل مثبت میان فرهنگ‌ها تأکید دارد.

۲) نوع نگرش به هدف ارتباط:

- ارتباطات یکپارچه: هدف اصلی، تسهیل فرآیند سازگاری فرد با فرهنگ جدید و کاهش تنش‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی است.
- تعارف: هدف، ایجاد درک متقابل، احترام به تفاوت‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی بر مبنای تقوای الهی است.

۳) نوع رویکرد به تنوع فرهنگی:

- ارتباطات یکپارچه: تأکید بر یادگیری و انطباق با هنجارها و ارزش‌های فرهنگ میزبان برای دستیابی به سازگاری موثر.
- تعارف: تأکید بر پذیرش و ارج نهادن به تنوع فرهنگی به‌عنوان فرصتی برای یادگیری و تقویت روابط انسانی.

۴) نوع درک قدرت در ارتباطات:

- ارتباطات یکپارچه: قدرت به‌معنای توانایی فرد در انطباق و تعامل مؤثر با فرهنگ جدید برای کاهش استرس و تنش‌های فرهنگی است.
- تعارف: قدرت در ایجاد تعاملات معنادار و تقویت روابط انسانی از طریق درک متقابل و احترام به تفاوت‌ها تجلی می‌یابد.

این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که هرچند هر دو رویکرد به بهبود ارتباطات میان فرهنگی می‌پردازند، اما از منظرهای متفاوتی به این موضوع نگاه می‌کنند.

۴-۳-۲- بررسی کارکردها و اهداف

ارتباطات یکپارچه و تعارف، هر یک کارکردهای خاصی در جوامع دارند که بررسی تطبیقی آن‌ها می‌تواند به درک بهتر نقش این دو مفهوم در بهبود ارتباطات کمک کند.

کارکردهای ارتباطات یکپارچه در جوامع:

- ۱) سازگاری فرهنگی: این نظریه به افراد کمک می‌کند تا با فرهنگ‌های جدید آشنا شده و خود را با آن‌ها تطبیق دهند. این امر به کاهش تنش‌ها و سوء تفاهم‌های فرهنگی منجر می‌شود.
- ۲) تسهیل تعاملات میان فرهنگی: با ارائه راهکارهایی برای درک و احترام به تفاوت‌های فرهنگی، ارتباطات یکپارچه به بهبود تعاملات میان افراد از فرهنگ‌های مختلف کمک می‌کند.
- ۳) افزایش هوش فرهنگی: این رویکرد به توسعه مهارت‌ها و دانش لازم برای درک و مدیریت تفاوت‌های فرهنگی می‌پردازد، که در محیط‌های چندفرهنگی بسیار حائز اهمیت است.

کارکردهای تعارف در جوامع

- ۱) تقویت شناخت متقابل: تعارف به‌عنوان ابزاری برای تشویق افراد به شناخت و درک یکدیگر، با هدف ایجاد همبستگی و همدلی در جامعه عمل می‌کند.

- ۲) **ترویج احترام به تفاوت‌ها:** با تأکید بر پذیرش و احترام به تنوع فرهنگی و قومی، تعارف به کاهش تعصبات و تقویت روابط مسالمت‌آمیز میان افراد کمک می‌کند.
- ۴) **ایجاد همبستگی اجتماعی:** تعارف با تشویق به تعاملات مثبت و سازنده و با تأکید بر شناخت متقابل و احترام به تفاوت‌ها، زمینه را برای ایجاد همبستگی اجتماعی فراهم می‌کند.
- ۵) **کاهش تنش‌های بین فرهنگی:** با تشویق به درک و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی، تعارف می‌تواند به کاهش تنش‌ها و سوء تفاهم‌های بین فرهنگی کمک کند.
- ۶) **تقویت هویت فرهنگی:** تعارف ضمن تأکید بر درک متقابل، به حفظ و تقویت هویت‌های فرهنگی مختلف نیز کمک می‌کند.
- ۷) **بهبود روابط بین فردی:** اصول تعارف می‌تواند به بهبود کیفیت روابط بین فردی و ایجاد فضای احترام متقابل در جامعه کمک کند.

اهداف و غایات ارتباطات یکپارچه:

- ۱) **ایجاد سازگاری فرهنگی:** هدف اصلی در ارتباطات یکپارچه، تسهیل انطباق پیام‌های فرهنگی با مخاطبان جدید و کاهش سوء تفاهم‌ها و تنش‌های میان فرهنگی است. این هدف از طریق هماهنگی عناصر مختلف ارتباطی و تطبیق پیام‌ها با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه میزبان تحقق می‌یابد.
- ۲) **فرآیند سازگاری تدریجی فرهنگی:** نظریه ارتباطات یکپارچه بر اهمیت درک و پذیرش تدریجی فرهنگ جدید تأکید دارد. این فرآیند شامل شناخت عمیق ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری فرهنگ میزبان است که به افراد کمک می‌کند تا سازگاری بهتری با محیط جدید پیدا کنند.
- ۳) **مدیریت تنش‌های بین فرهنگی:** این نظریه به شناسایی و مدیریت چالش‌های روانی-اجتماعی در فرآیند انطباق فرهنگی می‌پردازد. با تمرکز بر توسعه مهارت‌های ارتباطی بین فرهنگی و افزایش شناخت متقابل، این رویکرد به افراد کمک می‌کند تا استرس‌های ناشی از مواجهه با فرهنگ جدید را بهتر مدیریت کنند.
- ۴) **تقویت تعاملات پایدار و سازنده:** ایجاد ارتباطات پایدار و مثبت میان افراد از فرهنگ‌های مختلف یکی از اهداف کلیدی است. ارتباطات یکپارچه با فراهم آوردن شرایطی که منجر به تعاملات سازنده می‌شود، نقش مهمی در بهبود ارتباطات میان فرهنگی ایفا می‌کند.
- ۵) **مدیریت و هدایت اطلاعات فرهنگی:** ارتباطات یکپارچه به دنبال مدیریت و هدایت جریان اطلاعاتی مرتبط با سازگاری فرهنگی است، به طوری که مخاطبان بتوانند به راحتی به منابع اطلاعاتی مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند و فرآیند یادگیری فرهنگ جدید بهبود یابد.

اهداف و غایات تعارف:

- ۱) **ایجاد درک متقابل:** هدف اصلی تعارف، ایجاد فهم و درک متقابل میان افراد و گروه‌های مختلف است.
 - ۲) **تقویت همبستگی اجتماعی:** تعارف به دنبال ایجاد پیوندهای عمیق اجتماعی و تقویت انسجام جامعه است.
 - ۳) **ترویج صلح و همزیستی:** در سطح کلان، تعارف به دنبال ایجاد زمینه‌های لازم برای صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز میان فرهنگ‌ها و ملت‌ها است.
 - ۴) **حفظ کرامت انسانی:** تعارف بر حفظ و ارتقای کرامت انسانی از طریق احترام متقابل تأکید دارد.
 - ۵) **تعالی اخلاقی:** در نهایت، تعارف به دنبال ارتقای سطح اخلاقی جامعه از طریق ترویج ارزش‌های انسانی است.
- مقایسه اهداف و کارکردهای نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف نشان می‌دهد که ارتباطات یکپارچه با رویکردی عملی، بر سازگاری فرهنگی و بهبود تعاملات میان فرهنگی تمرکز دارد و به دنبال ایجاد درک مشترک و کاهش تنش‌های فرهنگی در محیط‌های چندفرهنگی است. از سوی دیگر، مفهوم تعارف بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌کند و هدف آن ارتقای کیفیت

روابط انسانی و تقویت همبستگی اجتماعی است. با وجود تفاوت‌ها، هر دو رویکرد در تلاشند تا از طریق بهبود کیفیت ارتباطات، روابطی پایدار و معنادار ایجاد کنند، هرچند که دامنه و نحوه تحقق این روابط در هر رویکرد متفاوت است.

۴-۳-۳- تأثیرات متقابل و نقاط همگرایی

هرچند نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف از زمینه‌های فکری متفاوتی نشأت گرفته‌اند، اما می‌توان تأثیرات متقابل و بالقوه‌ای را میان آن‌ها مشاهده کرد. این تأثیرات می‌تواند به غنی‌سازی هر دو مفهوم و ایجاد رویکردهای نوین در حوزه ارتباطات منجر شود.

۴-۳-۱- تأثیرات متقابل

(۱) تأثیر تعارف بر ارتباطات یکپارچه:

- غنی‌سازی محتوا: مفهوم تعارف می‌تواند به ارتباطات یکپارچه کمک کند تا محتوای پیام‌ها را از لحاظ فرهنگی غنی‌تر و متناسب‌تر سازد. این امر به‌ویژه در ارتباطات میان‌فرهنگی و بین‌المللی مفید است.
- افزایش اعتبار: با بهره‌گیری از اصول تعارف، افراد می‌توانند در تعاملات میان‌فرهنگی اعتبار و مشروعیت بیشتری کسب کنند، زیرا نشان می‌دهند که به تنوع فرهنگی و درک متقابل اهمیت می‌دهند. این رویکرد به ویژه برای مهاجران در جوامع جدید مفید است، زیرا با احترام به هنجارها و ارزش‌های فرهنگی میزبان، پذیرش اجتماعی و تعاملات مثبت را تسهیل می‌کند.
- بهبود روابط با جامعه میزبان: اصول تعارف می‌تواند به مهاجران کمک کند تا روابط عمیق‌تر و معنادارتری با افراد جامعه میزبان ایجاد کنند. این روابط فراتر از تعاملات اولیه بوده و به شکل‌گیری اعتماد و درک متقابل در محیط‌های جدید کمک می‌کند.

(۲) تأثیر ارتباطات یکپارچه بر تعارف:

- افزایش اثربخشی: استفاده از رویکردهای ارتباطات یکپارچه می‌تواند به افزایش اثربخشی پیام‌های مبتنی بر تعارف کمک کند، به‌ویژه در جوامع مدرن که با انبوهی از پیام‌ها مواجه هستند.
- گسترش دامنه اثرگذاری: ارتباطات یکپارچه می‌تواند به گسترش دامنه تأثیر مفهوم تعارف کمک کند، به‌ویژه از طریق استفاده از رسانه‌های مختلف و تکنیک‌های ارتباطی نوین.
- سیستماتیک کردن: رویکرد سیستماتیک ارتباطات یکپارچه می‌تواند به پیاده‌سازی مؤثرتر اصول تعارف در سطوح مختلف جامعه کمک کند.

(۳) تأثیرات متقابل:

- ایجاد مدل‌های ارتباطی جدید: تلفیق این دو مفهوم می‌تواند به ایجاد مدل‌های ارتباطی جدیدی منجر شود که هم از لحاظ فنی کارآمد و هم از لحاظ فرهنگی اثرگذار هستند.
 - بهبود ارتباطات میان‌فرهنگی: ترکیب اصول تعارف با رویکردهای ارتباطات یکپارچه می‌تواند به بهبود قابل‌توجه ارتباطات میان‌فرهنگی در سطح جهانی منجر شود.
 - تسهیل ارتباطات میان‌فرهنگی: تلفیق اصول تعارف با رویکردهای ارتباطات یکپارچه می‌تواند تعاملات میان‌فرهنگی را بهبود بخشد و درک متقابل را در جوامع چندفرهنگی افزایش دهد. این ترکیب با تأکید بر احترام به تفاوت‌های فرهنگی و ایجاد هماهنگی در پیام‌ها، به کاهش سوءتفاهم‌ها و برقراری ارتباطات مؤثر کمک می‌کند.
- درک این تأثیرات متقابل می‌تواند زمینه را برای پژوهش‌های بیشتر در زمینه تلفیق این دو مفهوم و ایجاد رویکردهای نوین در حوزه ارتباطات فراهم کند.

۵- بحث

۵-۱- خلاصه یافته‌های اصلی تحلیل تطبیقی

این پژوهش به بررسی تطبیقی نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های بنیادین در خاستگاه و اهداف، این دو رویکرد دارای نقاط اشتراک و ظرفیت‌های همگرایی قابل توجهی هستند. هر دو رویکرد به دنبال بهبود کیفیت ارتباطات و تقویت همبستگی اجتماعی هستند، اگرچه به شیوه‌ها و اهداف متفاوتی دست می‌یابند. در سطح مبانی نظری، هر دو رویکرد بر اهمیت ارتباط مؤثر، توجه به مخاطب، و هماهنگی در پیام تأکید دارند. ارتباط مؤثر به عنوان یک اصل اساسی، در هر دو رویکرد برای تسهیل انتقال پیام و ایجاد ارتباطات پایدار اهمیت دارد. توجه به مخاطب نیز در هر دو مفهوم به عنوان محور فرآیند ارتباطی در نظر گرفته می‌شود. البته در ارتباطات یکپارچه، این توجه عمدتاً به منظور درک نیازها و انتظارات مخاطب و بهبود کیفیت پیام‌ها صورت می‌گیرد، در حالی که در تعارف، تمرکز بر شناخت متقابل و ایجاد روابط معنادار است.

با این حال، تفاوت‌های اساسی نیز میان این دو مفهوم در هدف از ارتباط، نوع رویکرد هر کدام به موضوع تنوع فرهنگی، و درک مفهوم قدرت در فرآیند ارتباط وجود دارد:

نوع نگرش به هدف ارتباط: نظریه ارتباطات یکپارچه، ارتباط را به عنوان فرآیندی برای تسهیل سازگاری فرهنگی و انطباق روانی-اجتماعی افراد در نظر می‌گیرد، در حالی که تعارف، ارتباط را به عنوان هدف ذاتی برای ارتقای کیفیت روابط انسانی و رشد اجتماعی در نظر می‌گیرد.

نوع رویکرد به تنوع فرهنگی: ارتباطات یکپارچه به دنبال ایجاد راهکارهایی برای تسهیل فرآیند سازگاری افراد با محیط‌های فرهنگی جدید است و بر کسب مهارت‌های ارتباطی بین فرهنگی تأکید دارد، در حالی که تعارف، به دنبال پذیرش و ارزش‌گذاری بر تفاوت‌های فرهنگی و انسانی است و از تنوع فرهنگی به عنوان فرصتی برای یادگیری و همبستگی بیشتر استفاده می‌کند. درک قدرت: در نظریه ارتباطات یکپارچه، قدرت به معنای میزان انعطاف و توانایی مانوس شدن و انطباق با فرهنگ میزبان از طریق جهت‌دهی به پیام‌ها و فرآیندهای ارتباطی است. در مقابل، در مفهوم تعارف، قدرت به عنوان توانایی ایجاد تعاملات مثبت، تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش درک متقابل تعریف می‌شود.

این تحلیل نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های مهم در ماهیت و اهداف، هر دو رویکرد بر اهمیت ایجاد روابط پایدار و معنادار تأکید دارند. به همین دلیل، بررسی نقاط اشتراک و تفاوت‌های این دو رویکرد می‌تواند به توسعه مدل‌های ارتباطی جدیدی منجر شود که هم از لحاظ کارایی فنی و هم از لحاظ عمق فرهنگی مؤثر باشند.

۵-۲- پاسخ به سؤالات پژوهش

این مطالعه با هدف تحلیل تطبیقی نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام انجام شد و تلاش کرد تا به سؤالات پژوهش پاسخ دهد. در این بخش، به طور منظم و جامع، نتایج به دست آمده برای هر یک از سؤالات پژوهش بررسی می‌شود. این پاسخ‌ها به شناسایی و تحلیل نقاط اشتراک، تفاوت‌ها، کارکردها، و امکان همگرایی این دو رویکرد کمک می‌کند و دیدگاه‌های جدیدی را برای بهبود ارتباطات میان فرهنگی ارائه می‌دهد.

۱) مفاهیم و اصول کلیدی در نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام کدام‌اند؟

نظریه ارتباطات یکپارچه، بر فرآیند سازگاری افراد با فرهنگ‌های جدید تأکید دارد. این نظریه به هماهنگی در پیام‌ها می‌پردازد تا درک متقابل و تعاملات مؤثر در جوامع چندفرهنگی تسهیل شود. در مقابل، مفهوم «تعارف» در اسلام، بر اساس آیه ۱۳ سوره حجرات، به معنای شناخت متقابل و احترام به تنوع فرهنگی است. این مفهوم به دنبال ایجاد تعاملات معنادار و صمیمانه میان افراد و گروه‌ها است و ارتباط را نه تنها به عنوان یک ابزار، بلکه به عنوان هدفی ذاتی برای ارتقای روابط انسانی و شناخت در نظر می‌گیرد.

۲) چگونه می‌توان از نقاط قوت هر دو مفهوم برای بهبود ارتباطات میان فرهنگی استفاده کرد؟

- استفاده از رویکردهای ارتباطات یکپارچه، می‌تواند به اثربخشی ارتباطات میان‌فرهنگی کمک کند. این رویکردها با تأکید بر درک متقابل و تطبیق پیام‌ها با زمینه‌های فرهنگی مختلف، به کاهش سوء تفاهم‌ها و بهبود تعاملات میان‌فرهنگی منجر می‌شوند.
- بهره‌گیری از اصول «تعارف»، به‌ویژه شناخت متقابل و ارزش‌گذاری بر تفاوت‌های فرهنگی، می‌تواند به ایجاد تعاملات مثبت و پایدار میان فرهنگ‌های مختلف کمک کند.

۳ کارکردها و اهداف هر یک از این مفاهیم در جوامع چیست؟

کارکردهای ارتباطات یکپارچه:

- ۱) سازگاری فرهنگی: این نظریه به مهاجران کمک می‌کند تا با یادگیری هنجارها و ارزش‌های فرهنگ میزبان، خود را با آن انطباق دهند و از تنش‌های فرهنگی بکاهند.
- ۲) تسهیل تعاملات میان‌فرهنگی: با ارائه راهکارهایی برای احترام به تنوع فرهنگی، ارتباطات یکپارچه به بهبود ارتباط میان افراد از فرهنگ‌های مختلف کمک می‌کند.
- ۳) مدیریت استرس فرهنگی: ارتباطات یکپارچه با ارائه راهبردهایی برای کاهش استرس ناشی از تضادهای فرهنگی، فرآیند سازگاری را برای مهاجران آسان‌تر می‌کند.

کارکردهای تعارف:

- ۱) تقویت شناخت متقابل: تعارف به ایجاد درک و شناخت بهتر میان افراد از فرهنگ‌های مختلف منجر می‌شود.
- ۲) ترویج تعاملات مثبت: با تأکید بر ادب و احترام، تعارف به ایجاد روابط انسانی معنادار کمک می‌کند.
- ۳) کاهش تنش‌های فرهنگی: با احترام به تفاوت‌های فرهنگی، تعارف از بروز سوء تفاهم‌ها و تعصبات میان‌فرهنگی جلوگیری می‌کند.

۴ چگونه می‌توان از نقاط قوت هر دو مفهوم برای بهبود ارتباطات میان‌فرهنگی استفاده کرد؟

- ۱) هم‌افزایی میان تطبیق فرهنگی و تعامل مثبت: استفاده از نظریه ارتباطات یکپارچه برای فراهم کردن چارچوبی هماهنگ و تطبیق‌پذیر با محیط فرهنگی جدید، همراه با بهره‌گیری از اصول تعارف برای ایجاد احترام و تعاملات مثبت، می‌تواند به‌طور مؤثری ارتباطات میان‌فرهنگی را بهبود بخشد.
- ۲) کاهش سوء تفاهم‌های فرهنگی: ارتباطات یکپارچه با تأکید بر هماهنگی در پیام‌ها و اصول تعارف با توجه به ادب و احترام به تفاوت‌های فرهنگی، به کاهش سوء تفاهم‌ها و افزایش درک متقابل کمک می‌کند.
- ۳) ایجاد مدل‌های ارتباطی ترکیبی: ترکیب اصول تعارف با رویکردهای ارتباطات یکپارچه می‌تواند به طراحی مدل‌هایی منجر شود که هم از نظر فرهنگی عمیق و هم از نظر ارتباطی مؤثر باشند.

۶ - نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادات زیر برای مطالعات آینده ارائه می‌شود تا بتوان درک عمیق‌تری از تلفیق نظریه ارتباطات یکپارچه و مفهوم تعارف در اسلام به‌دست آورد:

- ۱) بررسی تجربی مدل‌های ترکیبی: انجام مطالعات تجربی در بسترهای واقعی برای سنجش اثربخشی مدل‌های ترکیبی ارتباطات یکپارچه و تعارف. این پژوهش‌ها می‌توانند به ارزیابی کارایی و نتایج عملی این رویکرد ترکیبی در بهبود کیفیت ارتباطات و تعاملات بین‌فردی کمک کنند.
- ۲) مطالعات بین‌فرهنگی: بررسی کاربردپذیری مدل‌های ترکیبی در زمینه‌های فرهنگی مختلف و مقایسه نتایج. این مطالعات می‌توانند نشان دهند که آیا این مدل ترکیبی می‌تواند در جوامع مختلف، با توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی، به‌طور مؤثری عمل کند و به بهبود ارتباطات میان‌فرهنگی کمک کند.

- ۳) توسعه مدل‌های ارتباطی جدید: طراحی و توسعه مدل‌هایی که اصول تعارف را با رویکردهای ارتباطات یکپارچه ادغام کنند. این مدل‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که هم هماهنگی و اثربخشی ارتباطات یکپارچه را داشته باشند و هم عمق فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی تعارف را حفظ کنند.
- ۴) مطالعات طولی: انجام مطالعات طولی برای بررسی تأثیرات بلندمدت استفاده از رویکرد ترکیبی بر عملکرد فردی، بهبود روابط اجتماعی و تقویت همبستگی میان‌فرهنگی. این نوع مطالعات می‌توانند نشان دهند که چگونه این رویکرد ترکیبی در طول زمان می‌تواند به پایداری ارتباطات و رشد اجتماعی منجر شود.
- ۵) بررسی سایر مفاهیم اسلامی: مطالعه تطبیقی سایر مفاهیم اسلامی با نظریه‌های مدرن ارتباطی برای یافتن نقاط همگرایی احتمالی و کشف ظرفیت‌های جدید برای توسعه مدل‌های ارتباطی جامع‌تر. این مطالعات می‌توانند به غنی‌سازی بیشتر هر دو حوزه و یافتن مدل‌هایی کمک کنند که هم با اصول ارتباطات مدرن سازگار باشند و هم با ارزش‌های فرهنگی و دینی هماهنگ باشند.

منابع

- ارزانی، حبیب‌رضا، و اهتمام، حامد. (۱۳۹۴). الگوی ارتباطات میان‌فرهنگی مسلمانان با مسیحیان در قرآن کریم. الهیات تطبیقی، ۶(۱۴)، ۸۹-۱۰۶.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم: دین و دنیا. قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). تفسیر موضوعی قرآن کریم: وحی و نبوت. قم: نشر اسراء.
- جمشیدی، حسن، سلطانی‌نژاد، حسن، و بیات، منصور. (۱۳۹۵). نقش عوامل زمینه‌ساز گفتگوی ادیان در آموزه‌های قرآن. مطالعات میان‌فرهنگی، ۳(۷)، ۸۳-۱۰۷.
- خورشیدنام، سیدمحمد. (۱۳۸۹). مؤلفه‌های ارتباطات میان‌فرهنگی با تأکید بر آیات قرآن. فصلنامه مطالعات قرآنی، ۲۲، ۷۵-۹۵.
- غمامی، سیدمحمدعلی، و اسلامی‌تنها، اصغر. (۱۳۹۵). همشناسی فرهنگی: الگوی قرآنی ارتباطات میان‌فرهنگی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- غمامی، سیدمحمدعلی، و اسلامی‌تنها، اصغر. (۱۴۰۱). «همشناسی فرهنگی» به‌مثابه الگوی ارتباطات میان‌فرهنگی در قرآن؛ رویکردی تطبیقی. مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۳(۵۷)، ۳۰-۷.
- قبادنژاد، محسن، و رحیمی، مریم. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی دیدگاه اسلام و رویکردهای غربی درباره ارتباطات میان‌فرهنگی. در مجموعه مقالات دومین همایش ملی الگوهای نوین مدیریت هوشمندی سازمانی. تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹ الف). تعارف: اجتماع و تاریخ. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹ ب). انسان و ایمان. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۶ ه.ق). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ ه.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- Ady, J. C. (۱۹۹۵). Toward a differential demand model of sojourner adjustment. In R. L. Wiseman (Ed.), Intercultural communication theory (pp. ۹۲-۱۱۴). Thousand Oaks, CA: Sage.
- al-Jabiri, M. A. (۲۰۰۱). Al-'aql al-akhlaqi al-'arabi: Dirasat tahliliyya naqdiyya li-nuzum al-qiyam fi al-thaqafa al-'arabiyya [The Arab ethical mind: A critical analytical study of value systems in Arab culture]. Beirut: Center for Arab Unity Studies. [In Arabic]
- Arzani, H., & Ehtemam, H. (۲۰۱۵). The pattern of intercultural communication between Muslims and Christians in the Holy Quran. Comparative Theology, ۶(۱۴)، ۸۹-۱۰۶. [In Persian]
- Baker, W. (۲۰۲۴). Intercultural communication. ELT Journal, ۷۸(۲)، ۲۱۲-۲۱۵. <https://doi.org/10.1093/elt/ccad040>
- Berry, J. W. (۱۹۸۰). Acculturation as varieties of adaptation. In A. M. Padilla (Ed.), Acculturation: Theory, models and some new findings (pp. ۹-۲۵). Boulder, CO: Westview Press.
- Berry, J. W. (۱۹۹۷). Immigration, acculturation, and adaptation. Applied Psychology, ۴۶(۱)، ۵-۳۴. <https://doi.org/10.1111/j.1464-0597.1997.tb01087.x>
- Bowen, G. A. (۲۰۰۹). Document analysis as a qualitative research method. Qualitative Research Journal, ۹(۲)، ۲۷-۴۰. <https://doi.org/10.3316/QRJ.9.2.27>
- Collier, D. (۱۹۹۳). The comparative method. In A. W. Finifter (Ed.), Political science: The state of the discipline II (pp. ۱۰۵-۱۱۹). Washington, DC: American Political Science Association.

- Ghamami, S. M. A., & Islami Tanha, A. A. (۲۰۱۶). Hamshenasi-ye farhangi; olgoo-ye Qurani-ye erbatat-e mian-farhangi [Cultural self-identification: A Quran-based model of intercultural communication]. Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communication. [In Persian]
- Ghamami, S. M. A., & Islami Tanha, A. A. (۲۰۱۹). Erbatat-e mian-farhangi: elzamat, mavaane' va rahkarha dar Qur'an-e Karim [Intercultural communication: requirements, barriers, and strategies in the Holy Quran]. Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communication. [In Persian]
- Ghamami, S. M. A., & Islami Tanha, A. A. (۲۰۲۲). Hamshenasi-ye farhangi be masabe-ye olgoo-ye erbatat-e mian-farhangi dar Qur'an; roykardi tatbighi [Cultural self-identification as an intercultural communication model in the Qur'an: A comparative approach]. *Journal of Culture-Communication Studies*, ۲۳(۵۷), ۷-۳۰. <https://doi.org/10.۲۲۰۸۳/JCCS.۲۰۲۱/۱۸۴۵۵۶/۲۷۹۶> [In Persian]
- Ghobadnejad, M., & Rahimi, M. (۲۰۱۷). Barrasi-ye tatbighi-ye didgah-e Eslam va roykardhaye gharbi darbare-ye erbatat-e mian-farhangi [A comparative study of Islamic and Western approaches to intercultural communication]. In *Proceedings of the ۲nd National Conference on Modern Patterns of Organizational Intelligence Management*. Tehran. [In Persian]
- Gordon, M. M. (۱۹۶۴). *Assimilation in American life: The role of race, religion, and national origins*. New York, NY: Oxford University Press.
- Gudykunst, W. B., & Kim, Y. Y. (۲۰۰۳). *Communicating with strangers: An approach to intercultural communication* (۴th ed.). New York, NY: McGraw-Hill.
- Horton, D., & Wohl, R. R. (۱۹۵۶). Mass communication and para-social interaction: Observations on intimacy at a distance. *Psychiatry*, ۱۹(۳), ۲۱۵-۲۲۹. <https://doi.org/10.۱۰۸۰/۰۰۳۳۲۷۴۷/۱۹۵۶/۱۱۰۲۳۰۴۹>
- Jamshidi, H., Soltaninejad, H., & Bayat, M. (۲۰۱۶). Naqsh-e anaser-e zaminesaz-e goftegou-ye adyan dar amoozeh-haye Qur'an [The role of factors facilitating interreligious dialogue in Quranic teachings]. *Motale'at-e Mian-Farhangi (Intercultural Studies)*, ۳(۷), ۸۳-۱۰۷. [In Persian]
- Jasinskaja-Lahti, I., Liebkind, K., Horenczyk, G., & Schmitz, P. (۲۰۰۳). The interactive nature of acculturation: Perceived discrimination, acculturation strategies, and psychological and sociocultural adjustment among immigrant adolescents. *International Journal of Intercultural Relations*, ۲۷(۱), ۷۹-۹۷. [https://doi.org/10.۱۰۱۶/S۰۱۴۷-۱۷۶۷\(۰۲\)۰۰۶۱-۵](https://doi.org/10.۱۰۱۶/S۰۱۴۷-۱۷۶۷(۰۲)۰۰۶۱-۵)
- Javadi Amoli, A. (۲۰۰۹). *Tafsir-e mozoo'i-ye Qur'an-e Karim: Din va donya* [Thematic exegesis of the Holy Quran: Religion and life]. Qom: Nashr-e Asra. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (۲۰۱۳). *Tafsir-e mozoo'i-ye Qur'an-e Karim: Vahy va nobovat* [Thematic exegesis of the Holy Quran: Revelation and prophecy]. Qom: Nashr-e Asra. [In Persian]
- Khorshidnam, S. M. (۲۰۱۰). Components of cross-cultural communication with emphasis on Quranic verses. *Faslnameh Motale'at-e Qurani (Quranic Studies Quarterly)*, ۲۲, ۷۵-۹۵. [In Persian]
- Kim, Y. Y. (۲۰۰۱). *Becoming intercultural: An integrative theory of communication and cross-cultural adaptation*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Krippendorff, K. (۲۰۱۸). *Content analysis: An introduction to its methodology* (۴th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Lazarus, R. S. (۱۹۶۶). *Psychological stress and the coping process*. New York, NY: McGraw-Hill.
- Lijphart, A. (۱۹۷۱). Comparative politics and the comparative method. *Comparative Politics*, ۳(۲), ۱۶۳-۱۸۵. <https://doi.org/10.۲۳۰۷/۴۲۱۲۵۰>
- Makarem Shirazi, N. (۲۰۰۵). *Tafsir-e Nemooneh* [Sample exegesis]. Qom: Dar-al-Kotob al-Eslamiyeh. [In Persian]
- Motahhari, M. (۲۰۱۰a). *Ta'arof: Ejtema va tarik* [Ta'arof: society and history]. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Motahhari, M. (۲۰۱۰b). *Ensan va iman* [Man and faith]. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Nadeem, M. U., Mohammed, A. M., & Dalib, S. M. (۲۰۲۰). Retesting integrative theory of cross-cultural adaptation: A case of Pakistani students in Malaysia. *International Journal of Intercultural Relations*, ۷۴, ۱۷-۲۹. <https://doi.org/10.۱۰۱۶/j.ijintrel.۲۰۱۹/۱۰۰۴>
- Nasr, S. H. (۲۰۰۳). *Islam: Religion, history, and civilization*. New York, NY: HarperOne.
- Ragin, C. C. (۲۰۱۴). *The comparative method: Moving beyond qualitative and quantitative strategies*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Sarwari, A. Q., Adnan, H. M., Rahamad, M. S., & Abdul Wahab, M. N. (۲۰۲۴). The requirements and importance of intercultural communication competence in the ۲۱st century. *SAGE Open*, ۱۴(۲), ۲۱۵۸۲۴۴۰۲۴۱۲۴۳۱۱۹. <https://doi.org/10.۱۱۷۷/۲۱۵۸۲۴۴۰۲۴۱۲۴۳۱۱۹>
- Spicer, E. H. (۱۹۶۸). Acculturation. In D. L. Sills (Ed.), *International encyclopedia of the social sciences* (Vol. ۱). New York, NY: Macmillan.
- Stonequist, E. V. (۱۹۳۷). *The marginal man: A study in personality and culture conflict*. New York, NY: Charles Scribner's Sons.
- Tabatabai, M. H. (۱۹۹۶). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an* [Balance in the exegesis of the Qur'an]. Qom: Jame'e Modarresin. [In Arabic]
- Ward, C., Bochner, S., & Furnham, A. (۲۰۰۱). *The psychology of culture shock* (۲nd ed.). Hove, UK: Routledge.

Ward, C., & Kennedy, A. (1998). Acculturation strategies, psychological adjustment, and sociocultural competence during cross-cultural transitions. *International Journal of Intercultural Relations*, 18(3), 329–343. [https://doi.org/10.1016/0147-1767\(98\)90036-1](https://doi.org/10.1016/0147-1767(98)90036-1)